

گزارش مکتوب شورای حمایت از حقوق تألیف و نشر

شانزدهمین نشست شورا در روز شنبه بیست و نهم مرداد ماه ۱۳۹۰ ساعت ۸ با حضور اعضا آغاز گردید. شرکت کنندگان:

آقای آخوندی (رئیس هیئت مدیره انجمن فرهنگی ناشران کتب مذهبی)
 آقای دکتر ساکت (قاضی بازنشسته دیوان عالی کشور، مؤلف و استاد دانشگاه)
 آقای فروغی (عضو هیئت مدیره انجمن فرهنگی ناشران کتابهای آموزشی)
 آقای شاوردی (نماینده انجمن ناشران ورزشی)
 آقای کمیلی (عضو کمیسیون حقوقی اتحادیه ناشران و کتابفروشان و وکیل دادگستری)
 آقای رحمانی (نماینده اداره کل مجامع فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)
 آقای بنی صدر (عضو کمیسیون حقوقی اتحادیه ناشران و کتابفروشان و وکیل دادگستری)
 آقای حسینی نیک (مدیر مسئول دفتر مطالعات و خدمات حقوقی - رئیس شورا)

بعد از قرائت قرآن کریم، مذاکرات شورا به شرح زیر آغاز گردید:

موضوعات مورد بحث:

موضوع جلسه: بررسی پیشنهادات در خصوص تعهدات پدیدآورنده و ناشر

فصل پنجم از لایحه حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط به موضوع نخستین دارنده حقوق، واگذاری و اجازه بهره برداری از حقوق اختصاص یافته است. در مبحث سوم این فصل، بحث واگذاری و اجازه بهره برداری از حقوق مطرح گردیده که در ذیل آن به موضوعات مهمی همچون قرارداد نشر، تعهدات پدیدآورنده و تعهدات ناشر پرداخته شده است.

در مرحله اول از بررسی های انجام شده، به دو موضوع تعهدات پدیدآورنده و ناشر بر اساس آنچه در لایحه ذکر شده بود، پرداخته شد و اکنون لازم است به مواردی که احیاناً از قلم افتاده و در لایحه ذکر نگردیده، بپردازیم. در خصوص تعهدات پدیدآورنده باید گفت، آنچه در لایحه ذکر شده، در دو مورد خلاصه می گردد:

۱- امکان اعمال بدون مزاحم و انحصاری حق نشر (ماده ۷۱)

۲- مهلت زمانی برای تحویل نسخه نهایی اثر (ماده ۷۲)

علاوه بر موارد فوق، به نظر می رسد تعهدات دیگری نیز باشد که پدیدآورنده باید به آنها توجه داشته باشد. پیشنهاد اول: نسخه ارائه شده از طرف پدیدآورنده با ناشر، اثر پدیدآورنده باشد.

توضیح: یکی از موضوعاتی که در نشر مبتلا به می باشد، ادعای تألیف یا ترجمه اثر است که از طرف شخص یا اشخاصی مطرح می گردد و اثر برای نشر به ناشر پیشنهاد می گردد در حالیکه فی الواقع اثر توسط دیگری پدید آمده و هیچ رابطه علمی بین اثر و مدعیان وجود ندارد.

این موضوع گاه به صورت تقلب و تجاوز به حقوق پدیدآورنده مطرح می‌شود و گاه به صورت سفارش کار در قالب دستور اداری، پرداخت حق الزحمه و امثال آن اتفاق می‌افتد، که در مورد اخیر، امکان انتقال حقوق مادی وجود دارد لیکن به هیچ وجه حقوق معنوی قابل انتقال نیست.

از ادله‌ای که قانونگذار، انتقال حقوق معنوی را منع کرده این است که کسانی نتوانند بدون استطاعت علمی در جایگاه کارشناسی در جامعه قرار گرفته و اعتماد جامعه را خدشه دار نمایند.

متأسفانه این تخلف در جامعه نشر کشور اتفاق می‌افتد و خلأ قانونی باعث گردیده تا فرهنگ سازی در این حوزه نیز به خوبی صورت نگیرد.

این پیشنهاد برای مبحث تعهدات پدیدآورنده به تصویب نرسید با این استدلال که اولاً بحث تعهدات برای پدیدآورنده زمانی مطرح می‌گردد که شخص، پدیدآورنده باشد اگر در واقع این چنین نبود که نمی‌توان برای وی تعهداتی را متصور دانست و عملاً خروج موضوعی دارد و ثانیاً این مورد، می‌تواند در بخش تخلفات و مجازات‌ها مطرح گردیده و راهکار مناسب پیش بینی گردد.

پیشنهاد دوم: پدیدآورنده متعهد به رعایت حقوق مادی و معنوی دیگران بوده و پاسخگو می‌باشد.

این موضوع نیز در نشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چراکه اثری که برای نشر به ناشر تحویل می‌گردد می‌تواند حاوی تخلفاتی باشد که از سوی پدیدآورنده ایجاد شده است به عنوان مثال، مراجعه کننده به ناشر، اثر دیگری را با نام خود برای نشر عرضه می‌نماید، یا از آثار دیگران به نحو غیر متعارف استفاده کرده و ارجاع نیز نداده است و... طبیعی است ناشر حق خواهد داشت که نداند مطالب ارائه شده احیاناً کپی برداری غیرقانونی از آثار دیگران است لذا لازم است پدیدآورنده را متعهد ساخت که رعایت حقوق مادی و معنوی دیگران برای اثری که جهت نشر به ناشر پیشنهاد می‌دهد، نموده و مسؤلیت آن را بپذیرد.

متن تصویب شده: پدیدآورنده پاسخگوی هر دعوی است که از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به حقوق مادی و معنوی اثر مطرح خواهد شد.

این متن معمولاً در قراردادهای نشر ذکر می‌گردد اما بهتر آن است که در بخش تعهدات پدیدآورنده ذکر شود تا چنانچه در قراردادی نیز جا افتاد، لازم الرعایه برای پدیدآورندگان باشد.

پیشنهاد سوم: پدیدآورنده متعهد است نسخه نهایی شده اثر را تحویل ناشر داده و در مراحل حروفچینی و ویراستاری با ناشر همکاری مستمر داشته باشد.

از مشکلات نشر این است که پدیدآورنده، نسخه نهایی شده را به ناشر تحویل نداده یا در مراحل بعدی (تصحیح متن حروفچینی شده و ویراستاری) همکاری لازم را نداشته و بعد از انتشار موجبات اختلاف بین ناشر و پدیدآورنده به وجود می‌آید. این موضوع نیز با تغییراتی در ماده ۷۲ لایحه مطرح گردیده که به همان اندازه قناعت گردید.

پیشنهاد چهارم: پدیدآورنده متعهد است اثر واحد را با یک ناشر قرار داد بسته و مجاز به تبدیل آن به خلاصه یا بایسته و امثال آن و قرارداد با ناشر دیگر نیست.

در خصوص قسمت اول که پدیدآورنده متعهد به قرارداد اثر واحد با یک ناشر می‌باشد باید گفت که این از اصول اولیه حقوقی است و قرارداد دوم به طور طبیعی، باطل است.

اما در خصوص قسمت دوم پیشنهاد که مربوط به آثار اشتقاقی موضوع ماده ۱۷ لایحه می‌شود، باید گفت که شرط تحقق اثر اشتقاقی آن است که اثری جدید پدید بیاید تا قابل واگذاری مجدد باشد ولی در لایحه به این موضوع اشاره‌ای نداشته و در قسمت تعاریف، اثر اشتقاقی را که در ماده ۱۷، قابل واگذاری دانسته، شامل اثری برگرفته از یک یا چند اثر موجود دانسته از قبیل اثر ترجمه‌ای، اثر موسیقایی، فیلم نامه یا نمایش نامه اقتباس شده از داستان، تلخیص، چکیده یا شرح اثر، اثر ویرایش شده و یا تصحیح شده و اثر ترکیبی.

تناقضی که اینجا وجود دارد آن است که از یک طرف، ناشر اثر اولیه، صاحب حق انتشار بوده و باید رعایت حقوق وی بشود از طرف دیگر پدیدآورنده باید بتواند اثرش را به گونه‌های دیگر عرضه نماید و از منافع مادی آن بهره گیرد.

در قسمت اول که هیچ شکی نیست در صورت واگذاری حقوق مادی اثر به ناشر، نباید امکان واگذاری مجدد آن اثر به دیگری فراهم باشد اما تولید اثری دیگر از اثر اولیه، چگونه باید باشد تا حق جدیدی برای پدیدآورنده ایجاد کرده و قابل واگذاری به ناشر یا شخص دیگری باشد؟

طبیعی است باید ماهیت اثر دچار تغییر شده باشد تا کارایی متفاوتی نسبت به اثر اولیه داشته باشد. در تعریف آثار اشتقاقی، اثر ترجمه‌ای یا اثر موسیقایی اقتباسی و حتی فیلم نامه یا نمایش نامه اقتباس شده از داستان و اثر ترکیبی را می‌توان جزو آثاری دانست که تغییر و تفاوت در کارایی داشته و قابل واگذاری مجدد می‌باشد اما موارد دیگر مانند تلخیص یا شرح اثر و اثر ویرایش شده یا تصحیح شده را نمی‌توان مانند موارد قبلی دانست چراکه اینگونه آثار اشتقاقی را نمی‌توان آثار جدید یا لاقط با کارایی جدید دانست و در این موارد، غبطه ناشر اثر اولیه رعایت نمی‌شود. چگونه می‌شود، اثری با سرمایه و تلاش ناشر، منتشر گردد و بعد پدیدآورنده حق داشته باشد تا خلاصه یا شرح آن را به ناشر دیگر واگذار نماید چه رسد به اینکه نسخه تصحیح شده یا ویراستاری شده را مشمول این قاعده بدانیم! شاید بتوان این مسئله را بدین صورت حل کرد که در خصوص تلخیص و شرح اثر به دلیل آنکه اثر مستقل از لحاظ ماهیت محسوب نشده (گرچه از لحاظ کارایی بتوان آن را مستقل از اثر اصلی دانست)، لازم است ناشر اثر اولیه دارای اولویت نشر بوده و در صورت عدم پذیرش، پدیدآورنده می‌تواند با ناشر دیگر قرار داد ببندد. اما در خصوص دو مورد بعدی که شامل آثار ویرایش شده و تصحیح شده می‌باشد باید گفت که این نوع آثار، آثار جدید نسبت به آثار اولیه محسوب نگردیده و بی شک باید توسط ناشر اولیه منتشر شود. البته شاید لازم باشد که تعهد ناشر نسبت اعمال اصلاحات و ویرایش‌های صورت گرفته توسط پدیدآورنده در چاپ‌های بعدی را در بخش تعهدات ناشر اضافه نماییم، که انشاءالله در جلسات بعدی بحث خواهد شد. در هر حال این موضوع برای بحث در جلسات آینده باز ماند.

سید عباس حسینی نیک

رئیس شورای حمایت از حقوق تألیف و نشر